

مقدمه

امروزه، حوزه‌های علمیه از تحولات پرشتایی که جامعه جهانی و به ویژه جامعه ایران تجربه می‌کند، مستثنی نیست و بسیاری از سنت‌ها، رویه‌ها و حتی برخی ارکان هویتی آن با پرسش‌های جدی مواجه شده است که پاسخ‌های درخور و قانع‌کننده می‌طلبد. یکی از این نوع پرسش‌ها، راجع به کارکرد، بایدها و نبایدهای «رساله‌های علمیه» است که در دهه‌های اخیر، یکی از مهمترین راه‌های دسترسی به فتوای مراجع معظم تقلید به شمار می‌رفت. به این که آیا این شیوه از بیان و ابراز فتوا و ارتباط با مخاطب، در ادبیات، محتوا و ساختار، همچنان کارآیی دارد یا خیر؟. در این مجال، این پرسش‌های مهم با جناب *حجت‌الاسلام والمسلمین* فخرالدین صانعی، یکی از ساینده حوزه علمیه قم و فرزند مرحوم آیت‌الله العظمی یوسف صانعی، مطرح شد. ایشان به عنوان مقدمه پاسخ اظهار داشتند باید میان کتب فتوایی که در معرض دید عموم جامعه قرار می‌گیرد، تفکیک قائل شد؛ زیرا رساله دو کارکرد متفاوت دارد. نخست، اعلام حضور مجتهدی است که آرا، نظرات و فتاوی خود را به جامعه منعکس می‌کند تا مردم در صورت تمایل برای تقلید، به آن فتاوا مراجعه نمایند. این کارکرد می‌تواند محل آسیب‌ها و نقدهای مورد اشاره باشد و باید از این منظر مورد نقد و بررسی قرار گیرد. کارکرد دوم رساله‌ها و کتب فتوایی، در واقع انعکاس علمیت این مجتهد و نظرات فقهی اوست، بنابراین، شاید از این منظر، اشکالاتی چون ساختار، ادبیات و امثال اینها، به همه رساله‌های امروزی با سبک فعلی وارد نباشد.

مخاطب شناسی

استاد صانعی افزود: به نظر می‌رسد عالمانی که اکنون رساله دارند و در کنار آن استفتائاتی را نیز منتشر کرده‌اند، یا برای هر صنف، رساله‌ای جداگانه مانند احکام بانوان، جوانان یا مقلدان خارج از کشور نوشته‌اند، مخاطب خود را به درستی شناخته‌اند و در نتیجه باید ادبیات متناسب با آن گروه را به کار گیرند. به‌عنوان مثال، اگر برای نوجوانان رساله‌ای تنظیم می‌شود، ادبیات ویژه همان گروه باید رعایت گردد، در غیر این صورت، بعضی غرض و کاهش کارایی به‌دنبال دارد. از این‌رو، باید از نظر محتوا نیز تناسب با هدف موردنظر برقرار باشد.

وی ادامه داد: به نظر من، کارکرد اصلی رساله، معرفی شخص به جامعه برای رجوع مردم است و از این‌رو، اشکالات ادبی چندانی به آن وارد نیست؛ زیرا برای قشری خاص تنظیم می‌شود که آشنایی نسبی با این ادبیات و اصطلاحات دارند. البته این جریان، در رساله‌های جدید، تسهیل و نظام‌مندتر شده است. اما در مورد فتاوی اشخاص نیز باید در تنظیم محتوا دقت بیشتری صورت گیرد زیرا رساله در معرض دید عموم است و نحوه چپ‌نشین مطالب ممکن است در مجامع ایجاد شبهه کند. هرچند نظر فقهی است و فقیه از آن دفاع می‌کند، اما هر نظری نباید در کتابی که برای مقلدان و با دسترسی عمومی تنظیم می‌شود، گنجانده شود. در چنین مواردی باید دقت بیشتری صورت گیرد. ایشان افزود: حضرت امام‌خمینی(ره) در تحریر الوسیله، بحث امءا و عبید را با آنکه شامل مطالب علمی مفیدی بود و تحریر تقریباً کتابی فتوایی به عربی است، حذف کردند و حتی حاشیه‌ای نیز بر آن نزدند، چرا که از حوزه ابتلا خارج شده است؛ برخلاف مرحوم صاحب عروه، آقا‌سید محمدکاظم یزدی، که این مباحث را در برخی کتاب‌ها به‌ویژه در ملحقّات عروه ذکر کرده‌اند.

توجه به مسائل مورد ابتلا

از نگاه آقای صانعی رساله به‌طور اعم – نه فقط توضیح المسائل، بلکه حتی رساله‌هایی که برای اقتضای چون بانوان، جوانان یا مقلدان خارج از کشور تدوین می‌شود – باید شامل مسائل مورد ابتلا باشد. مثلاً ذکر انواع طبقات ارث در چنین کتاب‌هایی برای مقلد هیچ فایده‌ای ندارد و فقط موجب حجیم شدن کتاب می‌شود؛ زیرا تقسیم ارث در دادگاه‌ها مشخص

وضعیت شیعیان

درباره آمار شیعیان در کشور هندوستان اطلاعات دقیقی در دست نیست. منابع مختلف جمعیت شیعیان هندوستان را بین ۳۰ تا ۵۰ میلیون نفر تخمین زده‌اند و برخی، شیعیان هند را بزرگ‌ترین جمعیت شیعیان جهان بعد از ایران دانسته‌اند. با اینکه در مناطقی مانند دکن یا فیض آباد که سابقاً حکومت شیعی داشته‌اند، گروه‌های شیعی حضور دارند، اما در دوران معاصر پراکندگی شیعیان در هندوستان تغییر یافته است. مراکز اصلی سکونت شیعیان شهرهای پنجاب، هندو – باید شامل مسائل مورد ابتلا باشد. جونیپور، لکهنو، رامپور و کشمیر است. شیعیان هند در ایالت‌های مختلف (سراسر هند) پراکنده شده‌اند. شیعیان هند عموماً در مناطق شمالی، مرکزی، و جنوبی این کشور سکنی گزیده‌اند.

ایالت اوتراپرادش با مرکزیت شهر لکهنو، از مهم‌ترین نقاط شیعه‌نشین در هند است. شهر لکهنو، مرکز ایالت اوتراپرادش یا دانستن بیش از صدها هزار (و به گفته برخی مایع سه میلیون) شیعه، به مرکز تشیع در هند شهرت یافته است. البته شهر جونیپور نیز از جمله شهرهای این ایالت، جمعیت شیعه زیادی دارد. کشمیر، دومین مرکز عمده فعالیت شیعیان بعد از لکهنو است. بهار، با مرکزیت پانتا؛ آندراپرادش، با مرکزیت شیش‌جیرآباد؛ ایالت گجرات، نیز هزاران شیعه را در خود جای داده است. ایالت ماهاراشتره، از جمله ایالت‌های جنوبی هند است که انبوهی از جمعیت شیعه را در خود جای داده است. تقریباً این منطقه از ایالت‌های نسبتاً وسیع هند شمرده می‌شود.

مدارس و حوزه‌های علمیه

سابقه تشیع در هند و زیادی جمعیت آنان در این منطقه اقتضا می‌کرد که طبق سنت دیرینه علمای شیعه، مدارس دینی و حوزه‌های علمیه نیز در این مناطق تأسیس گردد و این امر البته در کشوری مثل

می‌گردد و کارشناسان آن را تعیین می‌کنند، بنابراین ارتباطی با مقلد ندارد. اگر کسی به‌دنبال مباحث علمی باشد، با توجه به گستردگی فضای مجازی می‌تواند از منابع دیگر استفاده کند، اما در یک رساله علمیه از مرجع تقلید، نیازی به طرح این مباحث نیست. با احکام و موضوعاتی مانند «ظهار» که امروزه چندان وجهی ندارد، یا شک در رکعات نماز از این چندین مسائل هستند؛ زیرا غالب روحانیون از آن‌ها آگاهند و مردم می‌توانند از آنان سؤال کنند. حتی بحثی مانند مقدار آب کر نیز در شرایط امروز که آب لوله‌کشی در دسترس است، چندان موضوعیتی ندارد. درحالی که صاحب جواهر و فقیهان بعدی نیز به او اعتراض کرده‌اند، تردید نشده و فقیهان بعدی نیز به او اعتراض کرده‌اند، پرداختن به چنین دقت‌های فقهی در کتابی عمومی، محل مناسبی ندارد.

ایشان افزود: در عوض، می‌توان به مسائلی مانند فتوای صاحب عروه که می‌فرماید: «لا اعتبار بِعلم الّوسواسی فی الطّهارة والنّجاسة» پرداخت؛ یعنی فرد وسواسی نباید به یقین خود نیز اعتماد کند. این‌گونه مباحث می‌تواند مشکلات بسیاری از مردم را رفع کند، به‌ویژه با توجه به آمار بالای ابتلای مردم به وسواسی

*کارآمدی فتاوا و امکان اجرای عملی آن‌ها از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که باید در صدور فتوا و تنظیم رساله‌های علمیه رعایت شود

براساس گزارش دفاتر پاسخ‌گویی به مسائل شرعی، والد استاد نیز همواره چنین توصیه‌هایی داشتند. از نظر ایشان، ذکر احتیاطات در مسائل، ضرورتی ندارد؛ چون مقلد با خواندن آن‌ها دچار اضطراب و شبهه می‌شود. درحالی که می‌توان فتوا را به‌روشنی بیان کرد، اما وقتی در پایان آن احتیاطی اضافه کنیم، و وجدان دینی فرد ناآرامی ایجاد شده و گاه به وسواس می‌انجامد. نتیجه آنکه بسیاری از مسائل در رساله‌ها به‌جای حل مشکل مردم، خود به عین مشکل تبدیل می‌شوند.

ضرورت کارآمدی فتوا

در نگاه این استاد حوزه کارآمدی فتاوا و امکان اجرای عملی آن‌ها از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که باید در صدور فتوا و تنظیم رساله‌های علمیه رعایت شود. در زمانی که علم روزبه‌روز پیشرفت می‌کند و مردم برای تسهیل زندگی خود از دستاوردهای علمی بهره می‌برند، اگر فقه نتواند مسیر همراهی با واقعیت را بیابد، جامعه‌ای گناهکار تربیت می‌شود و کارکرد خود را از دست می‌دهد. به عنوان نمونه، زمانی که ماشین لباس‌شویی وارد کشور شد، بحث مفصلی درباره طهارت و پاک‌کنندگی آن در گرفت، اما امروز دیگر چنین مسئله‌ای وجود ندارد، یا در مسابقات جهانی کشتی اخیر که داوران زن قضاوت آن را بر عهده داشتند، در مواردی داور موظف بود بدن کشتی‌گیران را لمس کند. حتی تلویزیون برای اولین بار، این مسابقات را پخش کرد و هیچ‌کس اعتراضی نکرد. در این خصوص، فتوا نیز موجود است؛ مرحوم فیض فرموده است لمس با شهوت، حرام است و بدون آن، حرمتی ندارد. در گذشته نیز مشکل مشابهی در

هند که از تنوع مذهبی زیادی برخوردار است، از حساسیت ویژه و گاه از خطراتی نیز برخوردار بود اما علمای ربانی شیعه هم همیشه دل به عنایت الهی بسته، اقدام را از دست نداشتند و تأسیس حوزه‌های علمیه کردند. مهمترین مدارس علمیه هند عبارتند از

سلطان المدارس

موسس مدرسه سلطان المدارس، سید حسین نقوی است. وی از روابط خوبی که با سلطان شیعی سلطنت اوده داشت، برای تأسیس یک مرکز علمی و فرهنگی استفاده کرد، لذا در سال ۱۲۵۹ق این مدرسه را در لکهنو تأسیس کرد و خود سرپرستی آن را به عهده گرفت. (تراز سیاست، علی

*درباره آمار شیعیان در کشور هندوستان اطلاعات دقیقی در دست نیست. منابع مختلف جمعیت شیعیان هندوستان را بین ۳۰ تا ۵۰ میلیون نفر تخمین زده‌اند

ابوالحسنی، صص ۱۱۱۱۱) عالی‌ترین مدرک این مدرسه «صدر الافاضل» بود و به کسانی اختصاص می‌یافت که مدرج بالای ادبی، فقهی، اصولی و فلسفی را طی می‌کردند. (مراکز المسلمین للتعلیمیه والثقافیه و الدینیة فی الهند، عبدالحلیم ندوی، ص ۶۷) به‌نظر می‌رسد این مدرسه اولین مدرسه علمی شیعی هند باشد. قبل از آن دروس علمی در منازل علما یاحسینیه‌ها برگزار می‌شده است.

مدرسه ایمانیه بنارس

بنارس از شهرهای مهم هند و از شهرهای عبادی هندوان است. مسلمانان نیز از زمان دور در این شهر سکونت داشتند ولی با گذشت زمان، رنگ و بوی فرهنگ هندوی را گرفته بودند. امداد علی

زمینه دست دادن در عرف دیپلماتیک وجود داشت و هنوز هم این مسئله به‌عنوان معضلی پابرجاست. برخی فقیهان، آن را از باب اضطراب حل کرده‌اند و گفته‌اند اگر ترک آن موجب وهن اسلام یا از بین رفتن آبروی مسلمین شود، حکم آن متفاوت است. شاید امروز نیز از همین رو کسی در این باره سخن نمی‌گوید و اجازه را از باب اضطراب می‌شمارند. این مسائل نشان می‌دهند که نگاه جامعه به سمت تغییر، درحال حرکت است و در عین حال، عده‌ای نیز دغدغه دین دارند. ایشان با تأکید بر اینکه من نمی‌گویم فقیه باید فتوایی دهد که خوشایند دیگران باشد، افزود: اما فقیه می‌تواند بر پایه همان اصولی که گذشتگان مطرح کرده‌اند، به فتاویای کارگشا برسد. وقتی گفته می‌شود فقه، علمی برای همه زمان‌هاست و دستانش برای پاسخ‌گویی بسته نیست، معنایش این نیست که تابع خواست مردم شویم؛ زیرا اگر فتوا تابع خوشایند مردم باشد، مفهوم تکلیف از بین می‌رود. با این‌حال، فقه می‌تواند موجب تسهیل در زندگی مردم گردد و اگر اصول قانون‌گذاری در فقه رعایت شود، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

از نظر ایشان نمونه دیگر، مسئله جهت قبله در ساخت سرویس‌های بهداشتی است. برخی فقها گفته‌اند مانعی ندارد توالت منزل، رو به قبله ساخته شود، اما در ذهن بسیاری از مردم، استدبار و استقلال قبله هنگام استفاده از دستشویی امری مسلم تلقی شده است. درحالی که برخی فقها این ضرورت را قبول ندارند. چنین فتوایی می‌تواند مشکلات زیادی را حل کند؛ چرا که در بسیاری از خانه‌ها یا در کشورهای دیگر، رعایت این جهت معماری، ممکن نیست. **ضرورت توجه به فقه زندگی** از نگاه فرزند فقیه نواندیش مرحوم آیت‌الله صانعی، اساس مشکل رساله‌های علمیه در ادبیات آن نیست بلکه در این است که محتوای رساله‌ها دغدغه‌مند زندگی مردم نیست. رساله باید «فقه و زندگی» باشد؛ رویکردی که ما در مجموعه جزوات «فقه و زندگی» – برگرفته از دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله العظمی صانعی و منتشرشده توسط مؤسسه «فقه‌التقلین» – مدنظر قرار دادیم. «فقه و زندگی» یعنی فقهی که در متن زندگی مردم جریان دارد. تا زمانی که این نگاه در تنظیم رساله‌ها شکل نگیرد، مشکل حل نخواهد شد؛ هرچند عبارات رساله‌ها ساده و قابل فهم شوند یا توضیحات تکمیلی در فضای مجازی ارائه گردد. برخلاف گذشته که وسایل ارتباطی اندک بود و مردم با خواندن رساله دچار شبهه می‌شدند، امروز وسایل ارتباطی در دسترس همگان است و اگر در رساله‌ای ابهامی وجود داشته باشد، مردم آن را می‌پرسند و پاسخ



می‌گیرند. وی اضافه کرد در سال‌های اخیر، واژه‌نامه‌هایی در انتهای برخی رساله‌ها افزوده‌اند که حرکتی پسندیده است، اما مشکل اصلی را حل نمی‌کند. اگر بگوییم خون نجس است و فقط با آب پاک می‌شود، حتی با ساده‌ترین بیان، باز هم مشکل مسلمانان مقیم خارج از کشور برطرف نمی‌شود. یا اگر فتوا ندهیم که گوشت بازار غیرمسلمانان، در صورت ناتوانی از دسترسی به گوشت حلال، قابل استفاده است، باز هم مسئله‌ای را حل نکرده‌ایم؛ زیرا آنچه باید تغییر کند، نگاه در فتاواست تا بتواند دغدغه‌های واقعی مردم را پاسخ دهد.

ایشان گفت: مرحوم والد به ضرورت مسئله رساله در قالب جدید، تقنّن داشتند. رساله ایشان به سبک و سیاق نوین به اهتمام یکی از فضلالی حوزه تدوین و تنظیم شده بود ولی با رحلت ایشان چاپ نشد. حتی قصد داشتیم بعد از ایشان نیز رساله با همان سبک و سیاق جدید منتشر شود؛ اما متأسفانه اشکال عمده اینجاست که اکنون کمتر کسی حاضر است در نخستین ورودش به عرصه مرجعیت، رساله‌ای ساده و روان ارائه دهد؛ چون در عرف عمومی، چنین کسی مرجع علمی محسوب نمی‌شود. به همین دلیل، به ناچار رساله‌هایی با عبارات سنگین و واژه‌های دشوار، منتشر می‌شود. اما به سبک جدید از والد استاد تدوین شده بود، بسیار مختصر، حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ صفحه تنظیم گردید که ضمن دربرگرفتن کلیات مسائل فقهی مورد نیاز، برخی اصول اعتقادی را نیز شامل شود؛ زیرا همه بزرگسالان مخاطب رساله نیستند، بلکه افراد تازه‌بالغ که جدیدالورود به مرحله تقلید هستند، به آن نیاز دارند. هدف این بود که علاوه بر آشنایی با احکام ضروری، آگاهی اجمالی و عقلانی نسبت به مباحث اعتقادی نیز حاصل شود. این بخش برای تازه‌مقلدان با زبانی ساده و قابل فهم تدوین شد.

آقای صانعی افزود: سپس مجموعه‌ای از مسائل کاربردی به‌صورت مختصر اضافه کردید؛ موضوعاتی که مردم بیش از همه درباره آن‌ها سؤال می‌کردند، مانند احکام وسواس، احکام مسافر، گوشت بازار غیرمسلمانان، سرویس بهداشتی منازل، و مباحث طهارت و نجاست. هدف ما دو چیز بود: نخست، قابل‌فهم بودن متن برای همگان؛ دوم، جلوگیری از ایجاد شک و شبهه برای مقلدان؛ از این‌رو، مسائل را بدون ذکر احتیاطات مطرح کردیم.

لزوم توجه به حقوق و اخلاق

استاد صانعی با اشاره به ضرورت توجه به دو موضوع «حقوق» و «اخلاق» در رساله‌های علمیه، اظهار داشت: این دو موضوع باید به‌عنوان زیربنا در

حوزه‌های علمیه در هند

دانشگاه باید از شخصیت‌های علمی شیعه باشد و دانشجویان آن فقط از بین شیعیان انتخاب می‌شوند. (مراکز المسلمین للتعلیمیه و الثقافیه و الدینیة فی الهند، ص ۶۷).

کالج مدینه العلوم

این کالج از مراکز مهم آموزش علوم دینی در هند است. این مرکز ویژه شیعیان دوازده امامی است و از سراسر هند، افرادی برای تحصیل به این مرکز می‌آیند. مدینه العلوم دو شعبه دارد: شعبه علوم دینی و شعبه علوم دیگر.
استاید شعبه اول، از تحصیل کردگان قم و شعبه دوم از تحصیل کردگان دانشگاه‌ها هستند و ریاست آن با دکتر کلب صادق و همکاری پرفسور علی محمد نقوی است. (سیدعلی میرشریفی،هندوستانی که من دیدم،ص ۱۸۴) این مؤسسه در سال ۱۳۳۲ش به وسیله رهبران شیعیان هند تأسیس شده است. (نگاهی به مدارس و حوزه‌های علمیه شیعه در هند، ص ۲۵۵).

مدارس علوم دینی خواهران

شیعیان هند چندین مدرسه علمیه دارند که متعلق به خواهران طلبه بوده و در راستای گسترش معارف اهل‌بیت (علیهم السلام) فعال هستند. برخی از این مدارس مدرسه جامعه الزهرا. واقع در شهر لکهنو، با داشتن ۸ مدرس، در سطوح مقدمات، کاردانی و کارشناسی، خاستگاه تربیت ده‌ها نفر از خواهران مسلمان علاقه‌مند به دروس حوزوی است.

مدرسه الزهرا. واقع در شهر علی پور، با داشتن ۴ مدرس، در سطوح مقدمات و کاردانی، خاستگاه تربیت جوانان علاقه‌مند به دروس حوزوی است. مدرسه **جامعهالزهرا**. واقع در شهر شریف آلیو، با داشتن ۶ مدرس، در سطوح مقدمات و کاردانی، خاستگاه تربیت جوانان علاقه‌مند به دروس حوزوی است.

جمهوری اسلامی

در این حکم، اختلاف چندانی نیست. اما اگر چاندرا متعلق به شخص دیگری باشد، متأسفانه برخی فقها گفته‌اند باید وضو بگیرد، حتی اگر چاندرا از بین برود. حضرت امام(ره) در کتاب الطهاره می‌فرماید: «فطرت سلیم ایا دارد از اینکه کسی وضو بگیرد و چانداری از بین برود.» این نگاه اگر بنیان فقه قرار گیرد، بسیاری از مشکلات حل می‌شود. در مقابل، نگاه دیگر قدسیتی برای وضو و نماز قائل است که حتی به بهای نابودی چانداری مثل حیوان نیز حاضر به ترک آن نیست، این نوع محتوا و برداشت‌هاست که انسان را می‌آزارد و موجب فاصله گرفتن جامعه از دین و احکام الهی می‌شود.

ظرفیت حوزه‌ها برای پاسخگویی

ایشان در بخش دیگر از سخنان خود با اشاره به قابلیت حوزه و روحانیت برای پاسخ دادن به پرسش‌های روز جامعه، اظهار داشت: در حوزه‌های علمیه تا زمانی که ملاک تقوا نباشد و امور در دست خود حوزویان قرار نگیرد، بلکه بیرون از حوزه برای آن برنامه‌ریزی شود، اوضاع تغییر نخواهد کرد. اگر در جلسات خصوصی علما و بزرگان بنشینید، سخنانی درباره وضعیت حوزه می‌شنوید که مایه یاس است. با این حال، بسیاری از آن مسائل گفته نمی‌شود تا موجب تضییق نشود، اما واقعیت این است که بسیاری از بزرگان، با شیوه‌های موجود مخلفند. برای نمونه، برخی نهادهای حوزوی که به نام ذکر نمی‌کنم، با قوه چنین و چنان داشته باشد و اگر داشته باشد، به زندان منتقل می‌شود. این روش، شیوه درستی برای اداره حوزه نیست.

از نظر ایشان برای روزآمد کردن رساله‌های علمیه باید آقائانی که رساله می‌نویسند، به مسئله موضوع‌شناسی پدیده‌های مختلف، توجه و تقنن بیشتر داشته باشند و موضوعات جدید مثل ترید، بازارهای هرمی و بیت‌کوین و مانند آن را که نسل امروزی برای آنکه سریع‌تر به منافع آنها برسد، مورد توجه قرار می‌دهد، یا هوش مصنوعی را (اگر به حوزه مربوط باشد) مطرح کند. یک وقتی جلسه‌ای درباره هوش مصنوعی برگزار شده بود که شرکت‌کنندگان کمتر از هفتاد سال نداشتند و درباره هوش مصنوعی بحث و گفتگو می‌کردند. روشن است که دغدغه آنان نیز همین است، بلکه دغدغه خیلی از افراد جامعه، ولی باید با استفاده از جوانان، موضوع‌شناسی صورت گیرد و هیچ منافاتی با رئال‌نویسی ندارد. هیچ انسان عاقلی شک و شبهه ندارد که برای ارتباط با مخاطب باید با زبانش مرتبط شد، اما آنچه امروزه به مخاطب ارائه می‌شود، مورد قبول او و مطابق خواسته او نیز هست یا نه؟ تشخیص این امر به فهم اجتماعی بازمی‌گردد.

ایشان همچنین در بیان راهکار برای افزایش کیفیت علم روزآمد در حوزه علمیه، اضافه کرد: ارزش‌گذاری به علم، تقوا و تهذیب می‌تواند یک شاخص برتر برای کیفیت‌افزایی در حوزه باشد؛ این مهم را حتی در انتخاب کتاب درسی هم باید لحاظ کرد. اگر چنین شد و طلبه هم این وضعیت را مشاهده کرد، با خود می‌اندیشد که تنها علم‌آموزی و درس‌خواندن در انگیزش طلبگی او کفایت نمی‌کند، بلکه به موازات آن باید به مسائل دیگری هم توجه کند که در رشد و پرورش او مؤثر است؛ لذا اگر رشد طلبه در حوزه براساس ملا و عالم شدن به معنای عموم آن باشد، افراد هم به این سو گرایش پیدا می‌کند. افراد غیر حوزوی که برای تحصیل به خارج از کشور می‌روند، دلپشان این است که هم امکانات در اختیارشان قرار می‌دهند و هم برایشان ارزش قائل‌اند و از علمشان استفاده می‌کنند. مسلماً در این فضا همه در پیشرفت علمی می‌کوشند، ولی وقتی که ملاک ارزش‌گذاری، علمای حاشیه‌ای و غیرمرتبط با هویت حوزه و چیزی غیر از علم و تهذیب شد، نتیجه‌اش رانش علمی و استادی است که موجب نارضایتی بسیاری از اساتید و علما شده است و خروجی آن نیز پاسخ‌گویی نیازهای روز جامعه نیست.

کتاب است که حدود ۵۰۰۰ نسخه آن را کتاب‌های خطی تشکیل می‌دهد و اکثر نسخ خطی این کتابخانه از نوادر است. (همان، ص ۱۰۱).

کتابخانه راجه محمود آباد
راجه امیر حسین خان کتابخانه‌ای تأسیس کرده که دلالت بر ذوق علمی وی دارد. پس از فوت امیر حسن امیر الدوله پسرش راجه علی محمد خان به جای پدر نشست. وی علاوه بر تالیم علوم دینی با علوم جدید آشنا گردید. پس از سلطه انگلیس‌ها که علم و دانش در مرکز علوم سلامی هند شهر لکهنو، به خاموشی گرایید و تمام ثروت علمی و اسبابی به یغما می‌رفت، کتاب‌های زیادی توسط راجه محمد علی خان خریداری و به این کتابخانه منتقل گردید. تعداد کتاب‌های موجود در این کتابخانه حدود هشتاد هزار نسخه است که از این تعداد حدود دو هزار و پانصد نسخه خطی است. نسخه‌های خطی در محل اقامت خاندان ایشان در قیصر باغ لکهنو نگهداری می‌شود و خروجی آن نیز پاسخ‌گویی نیازهای ایشان در قلعه محمود آباد محفوظ است. (همان).

کتابخانه راجه محمود آباد

راجه امیر حسین خان کتابخانه‌ای تأسیس کرده که دلالت بر ذوق علمی وی دارد. پس از فوت امیر حسن امیر الدوله پسرش راجه علی محمد خان به جای پدر نشست. وی علاوه بر تالیم علوم دینی با علوم جدید آشنا گردید. پس از سلطه انگلیس‌ها که علم و دانش در مرکز علوم سلامی هند شهر لکهنو، به خاموشی گرایید و تمام ثروت علمی و اسبابی به یغما می‌رفت، کتاب‌های زیادی توسط راجه محمد علی خان خریداری و به این کتابخانه منتقل گردید. تعداد کتاب‌های موجود در این کتابخانه حدود هشتاد هزار نسخه است که از این تعداد حدود دو هزار و پانصد نسخه خطی است. نسخه‌های خطی در محل اقامت خاندان ایشان در قیصر باغ لکهنو نگهداری می‌شود و نسخ چاپی تاکنون در کتابخانه

ایشان در قلعه محمود آباد محفوظ است. (همان).

کتابخانه رضا

کتابخانه رضا در رامپور از بزرگ‌ترین و غنی‌ترین کتابخانه‌های هند است، که ملو از کتاب‌های علوم شرقی است. به‌ویژه نسخه‌های خطی عربی، فارسی، اردو، ترکی، هندی، سانسکریت و هندی بسیاری در آن وجود دارد؛ و در کنار این‌ها تعداد کتاب‌های چاپی به زبان‌های اروپایی و شرقی و هندی هم کم نیست. کتابخانه رضا سابقه دویست ساله دارد و بنیانگذار آن نواب فیض‌الله خان بهادر (۱۲۰۸ق / ۱۷۴۹م) است. در زمان نواب محمد سعید خان بهادر، کتابخانه توسعه پیدا کرد و نواب مزبور در پیشبرد آن سعی فراوانی از خود نشان داد. در همین زمان محل جداگانه‌ای برای کتابخانه در نظر گرفته شد و برای کتاب‌های آن مهری ساخته شد و روی کتاب‌ها ثبت گردید. (همان).